

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هانا آرنت: هشتاد سالگی مارتین هایدگر تَجَدُّدِ اَمْتَال: تَجْدِيدِ سَنَّت

جلسه بیست و یکم

شنبه ۰۸ - ۰۷ - ۱۴۴۲؛ ۰۲ - ۱۲ - ۱۳۹۹؛ ۲۰ - ۰۲ - ۲۰۲۱

بیرون از خود برای او

• خدای تعالی می‌فرماید:

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (سبأ ۳۴:۴۶)

(بگو جز این نیست که پند می‌دهم شما را به یکی، که قیام کنید برای الله دو دو، و یک یک. سپس، تفکر کنید، نیست صاحب شما را هیچ پوشیدگی‌ای، نیست او مگر بیم دهنده‌ای برای شما پیش از عذابی شدید!)

بیگاه شدست، لیک مَر سیران را سیری نبُود به جُز که اِدبیران را

• خدای تعالی فرماید:

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹: ۵۵ الرَّحْمَن)

(درخواست کند از او هر که در آسمان‌ها و زمین است، هر روزی او در کاری است).

وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۶۰: ۴۰ غَافِر)

(و پروردگارتان گفت: بخوانید مرا، بپذیرم برایتان. همانا کسانی که سر می‌کشند از پرستش من، به زودی داخل جهنم شوند [خود] حقیر [بینندگانی]!)

بیگانه شدست، لیک مَر سیران را سیری نبُود به جُز که اِدبیران را

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ (۲۵:۷۷ الفرقان)

(بگو: اعتنایی نمی‌داشت به شما پروردگارم اگر نمی‌بود دعای شما!)

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۲:۱۸۶ البقرة)

(و چون بندگانم تو را پرسند از من، من نزدیکم، جواب دهم دعای دعاکننده را چون بخواند مرا. پس، باید بپذیرند [دعای] مرا و ایمان آورند به من باشد که رشد یابند!)

أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزْرِعٍ
عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا -ع- قَالَ: أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّ وَ جَلَّ-
يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًّا فَشَرًّا (الكافي،
ط. الإسلامية، ج ٢، ص ٧٢)

(... امام رضا-عليه السلام- فرمود: زیبا گردان گمان را به الله، چه
الله-عَزَّ وَ جَلَّ- می‌گوید، "من نزد گمان بنده مؤمنم به خودم هستم، اگر
خیر باشد، خیری باشد، و اگر شرّ باشد، شرّی باشد!")

دم به دم هر سوی صاحب حاجتی یافته زان در عطا و خلعتی

وَ اصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ، يُرِيدُونَ وَجْهَهُ،
وَ لَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ" (۱۸:۲۸ الکهف)

(و شکیبادار خود را با کسانی که می‌خوانند پروردگارشان را
بامداد و شبانگاه، در حالی که تنها خشنودی او را اراده نموده‌اند،
و مبادا چشمانت را از آنان برداری.)

گفتم به خیالش که غلامِ اویسی شاید که به جای خواجه باشی ما را

رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- فرمود:

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا وَ لَا تُعْرِضُوا عَنْهَا (بحار، ج
۶۸، ص ۲۲۱)

(همانا پروردگارتان را در روزهای روزگارتان نسیم‌هایی دارد،
هان هش‌دارید تا خود را در معرض آنها قرار دهید، و روی
نگردانید از آنها!)

گفتم به خیالش که غلامِ اویسی
شاید که به جای خواجه باشی ما را

• علی بن ابی طالب- علیه السلام:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي (الصّدوق، التّوحید، ص ۳۰۵)

(بخواهید از من پیش از آن که مرا از دست دهید!)

کَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَ
مِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ (٢٠١-٢٠٠ : البقرة)

(پس، از مردمان باشد، کسی که گوید، "پروردگارا، بده ما را در دنیا!" و او را در آخرت هیچ بهره‌ایی نباشد، و از آنان باشد، کسی که گوید، "پروردگارا، بده ما را در دنیا زیبایی‌ایی و در آخرت زیبایی‌ایی، و سپر شو ما را در برابر عذاب آتش!")

نیکو بَشِنُو تُو نُکْتَه بیچون را!

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا (٧-٦ : ٧٠ المعارج)

(آنان دور می بینندش، و نزدیک می بینیمش!)

• خود/دیگری

• دنیا/آخرت

• دنیای یکی آخرت دیگری است، و آخرت آن دیگری دنیای آن یکی.

نیکو بشینو تو نُکته بیچون را!

- تنزیه در عین تشبیه و تشبیه در عین تنزیه

- تنزیه/تشبیه

- تنزیه مطلق: در برابر تشبیه نیست

- لا بشرط مقسمی

- روزانه/شبانه (ج ۱۵)

نیکو بشینو تو نُکته بیچون را!

- آنچه در فرهنگ اسلامی فرایض و نوافل نامیده می‌شود
- در فلسفه: وجوب و امکان، یا ضرورت و احتمال
- در حوزه‌های مختلف فکری دیگر: جبر و اختیار، یا ساختار و عامل (فاعل)، متن و پدیدآورنده، ...

نيڪو بڻينو تو نُڪتہ بيچون را!

- Structuralism vs. Functionalism
- Structural Functionalism
- Structuralism vs. Agency (Social Action)
- Structuralism vs. Poststructuralism

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس دریوند آن مباحث که نشنید یا شنید

• ضرورت/احتمال؛ ضرورت/ضرورت؛ احتمال/احتمال

• جلسه هشتم:

منسوب است به صادق آل محمد، جعفر بن محمد- علیهم السلام:

الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُوبِيَّةُ (مصباح الشريعة. ترجمه مصطفوی، ص ۴۵۳)

(عبودیت جوهری است که کنه آن ربوبیت است)

نیکو بشنو تو نُکته بیچون را!

فِي الْحَدِيثِ الْقُدْسِيِّ: ... يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ،

أَطْعِنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلَكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ. (عدة الداعي و

نجاح الساعي، ص ۳۱۰)

(در حدیث قدسی: ... ای فرزند آدم، من به چیزی گویم، "باش!"،

بشود، فرمانبر مرا در آنچه فرمانت دهم، تو را [کسی] گردانم که

به چیزی گویی، "باش!"، بشود.)

نيكو بښنو تو نڪته بيچون را!

• خدای تعالیٰ فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ

وَ إِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا

وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا

كَافِرِينَ (١٠١: ٥ المائدة)

نیکو بشینو تو نُکته بیچون را!

ای آنان که ایمان آوردید، نپرسید از چیزهایی که اگر آشکار شود برای شما بد حال کند شما را، و اگر بپرسید از آنها هنگامی که فرود آید قرآن، فاش شود برای شما، خدا عفو فرمود از آنها، و خدا غفور بردبار است، پرسیده بودند از آن قومی پیش از شما، سپس کافر شدند بدان.

نيكو بښنو تو نُكته بيچون را!

• امير المؤمنين، علي بن ابي طالب- عليه السلام:

إِنَّ اللَّهَ - تَعَالَى - افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضَيِّعُوهَا وَ حَدَّ

لَكُمْ حُدُوداً فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَاكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ فَلَا تَنْتَهِكُوهَا وَ

سَكَتَ لَكُمْ عَنْ أَشْيَاءَ وَ لَمْ يَدْعُوهَا نِسْيَاناً فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا (نهج

البلاغة، ف. ب. خ ١٠٢)

نیکو بشینو تو نُکته بیچون را!

همانا خدای تعالی بر عهده شما واجبهایی نهاده است، پس ضایع
مکنید آنها را! و حدودی برایتان تعیین فرموده است، پس در
نگذرد از آنها! و نهی فرموده است شما را از چیزهایی، بی پروا
مباشید نسبت به آنها، و از چیزهایی سکوت کرده است برای
شما، ولی وا نگذاشته است آنها را از روی فراموشی، پس خود
را به رنج میافکنید نسبت به آنها!

بازآمدم چون عیدِ نو تا قُفلِ زندانِ بِشُگنم

- میشل فوکو همین دوگانه را در مقاله "یک پدیدآورنده چیست؟" (What Is an Author?) با رویکرد خاص خود، که عمدتاً به تعبیری هایدگری-آنتیک (Ontic) است، تجزیه و تحلیل می‌کند.

- در این مقاله، فوکو ارتباط و تعامل متن و پدیدآورنده را بررسی می‌کند، و در هم تنیدگی این دو را نشان می‌دهد، به گونه‌ایی که اثر و پدیدآورنده را نمی‌توان جدای از هم دید.

بازآمدم چون عیدِ نو تا قُفْلِ زندانِ بِشْکَنَم

- متن: چونان ساختار، چارچوب، قالب، زندان، ...
- پدیدآورنده: کارکرد، عامل (فاعل)، کنش‌گر، فراری، ...
- ساختار/عامل؛ بِنَا/بِنَّا؛ عَلَّت/معلول (ملاصدرا: معلول شأن عَلَّت است، نه عینیّتی بریده و در مقابل او.)
- مثل در هم تنیدگی قرآن و عترت

سیری نبود به جز که ادبیران را

The phrase, 'return to,' designates a movement with its proper specificity, which characterizes the initiation of discursive practices. If we return, it is because of a basic and constructive omission, an omission that is not the result of accident or incomprehension. In effect, the act of initiation is such, in its essence, that it is inevitably subjected to its own distortions;

سیری نبود به جز که ادبیران را

that which displays this act and derives from it is, at the same time, the root of its divergences and travesties. This nonaccidental omission must be regulated by precise operations that can be situated, analyzed, and reduced in a return to the act of initiation. ...

سیری نبود به جز که ادبیران را

In these rediscoveries of an essential lack, we find the oscillation of two characteristic responses: 'This point was made—you can't help seeing it if you know how to read';

سیری نبود به جز که ادبیران را

or, inversely, 'No, that point is not made in any of the printed words in the text, but it is expressed through the words, in their relationships and in the distance that separates them. (p.311) ("What is an Author?" In Modernity and its Discontents, p. 299-314)

سیلابِ سیّہ تیرہ نکرد آن جو را

- Author

پدیدآورنده، مؤلف

- Authors with Transdiscursive Position

پدیدآورندگانی با جایگاه فرا مبحثی:

مثل ہومر، ارسطو، آباء کلیسا

سیلابِ سیّہ تیرہ نکرد آن جو را

- Initiators of Discursive Practices (Founders of Discursivity)

مؤسسان (پیشگامان، بنیانگذاران) حرفہا (رسومات) مبحثی [یا بنیانگذاران مبحثیت]:

مثل کارل مارکس، زیگموند فروید

ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند کان کس که گفت قصّه ما هم ز ما شنید

- میشل فوکو: خود بنیانگذاران مبحثیت در درون مبحثی خاصّ احتمال مبحثی غیر آن، بلکه مخالف و ضدّ آن را، جاسازی کرده‌اند.

- فوکو تحلیل خود را در اینجا "تحلیل درونی و شاکله معماری اثر" می‌خواند.

(an internal and architectonic analysis of a work)

ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند
کان کس که گفت قصّه ما هم ز ما شنید

• در چنین تحلیلی، نقشی مطلق و خلاق برای فاعل (subject) در نظر گرفته نمی‌شود. بلکه چنان که فوکو می‌گوید:

In short, the subject (and its substitutes) must be stripped of its creative role and analyzed as a complex and variable function of discourse. (p.314) (“What is an Author?” In *Modernity and its Discontents*, p. 299-314)

ساقی بیا که عشق ندا می‌کند بلند کان کس که گفت قصّه ما هم ز ما شنید

• فاعل در درون خود مبحث، به عنوان کارکرد، ضامن
جلوگیری از سلطه نشانه‌ها و چرخش و گسترش هرزه‌وار
معانی است.

• اگر خواسته باشیم جوهره بحث فوکو را در ارتباط با اسلام و
قرآن مجید، و تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی پس از
حضرت محمد- صلی الله علیه و آله و سلم- بکار بندیم، شاید
بتوان گفت:

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

- ۱- حضرت محمّد- صلی الله علیه و آله و سلّم-، به عنوان رسول الله، هم پدیدآورنده قرآن کریم می باشد، و هم مؤسس ایمان اسلامی، اسلامیت، و فرهنگ اسلامی است.
- ۲- عثرت- علیهم السّلام- فاعل همسنگ قرآن و اسلامیت هستند، که از درون معنای قرآن، و تحوّل اسلامیت را بر عهده دارند.

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

۳- فاعلهایی غیر از عترت، مانند صحابه، علما، فقهاء، مجتهدین، فلاسفه، عرفا، متکلمین، مستشرقین، و...، نیز همواره به گونه‌های مختلفی سعی داشته‌اند در شکل‌بخشیدن به فهم و معنایی خاصّ از قرآن و اسلامیت.

۴- در هر صورت، چنین احتمالاتی را خود مبحث قرآنی-اسلامی، فراهم آورده است.

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

۵- تعیین عترت- علیهم السّلام- توسطّ خدای تعالی، و ابلاغ آن
توسطّ رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلّم- برای تدبیر و ذوقی
خاصّ در ارتباط با احتمالات مبحثی بوده است. هشدارهایی نظیر
آنچه امام جعفر بن محمّد الصادق- علیه السّلام- از رسول الله-
صلی الله علیه و آله و سلّم- نقل فرموده است، از همین جهت
است:

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ (الصّدوق، التّوحید، ص ۹۱)

(هر که سخن گوید درباره قرآن بدون علمی، باید نشیند در جایگاه
خود از آتش!)

۶- افزون بر این، می‌توان گفت که عترت- علیهم السّلام- در
جایگاه مؤسس بودن نیز می‌باشند، گرچه فضل تقدّم از آن
حضرت محمّد- صلی الله علیه و آله و سلّم- است.

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

هرچند به طور تاریخی، بنا به ضرورت‌های تدبیری، و مصالح
اجتماعی، و اموری از این دست، بیشتر از درون، به عنوان
فاعل، عمل کرده‌اند. و الله اعلم!

سرّ خدا که عارفِ سالک به کس نگفت در حیرتم که باده فروش از کجا شنید

۷- هم چنین گفته شد (جلسه ۱۶) : اولیاء محمّدی- علیهم السّلام-
را تا روز قیامت از این جایگاه عترت- علیهم السّلام- بهره‌ایی
است، چه خدای تعالی قرآن را تا قیامت بر قلوب این امت نازل
می‌فرماید. (الفتوحات، ط، بیروت، جلد ۳، ص ۱۰۸)

بازآمدم چون عیدِ نو تا قُفلِ زندانِ بِشکنم

- به نظر می‌رسد که اکثر مباحث نظری فلسفی، کلامی، و آنچه تحت عنوان کئی علوم انسانی (The humanities) می‌آیند، به نوعی درگیر این دوگانه هستند، یا اولویّت و اهمیّت را به یکی در برابر دیگری می‌دهند، و یا می‌کوشند هر دو را با یک دیگر جمع کنند، و یا هر دو را نفی کنند با پرداختن به آنچه احدیّت جمع هر دو می‌باشد،

باز آمدم چون عیدِ نو تا قُفْلِ زندانِ بِشْکَنَم

و هر یک از آن دو، شاید هم بی‌شمار احتمال را به دست می‌دهد.
بهترین و زیباترین بیان این فهم در کلام صادق محمدی، جعفر بن
محمد الصادق - علیه السلام - آمده است.

ای هر که بخورد شربت از مشرب ما مستی گردد که روز بیند شب ما

• مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ -ع- قَالَ:

لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِضَ وَ لَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَالَ قُلْتُ وَ مَا أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ قَالَ مَثَلُ ذَلِكَ رَجُلٌ رَأَيْتُهُ عَلَى مَعْصِيَةٍ فَنَهَيْتُهُ فَلَمْ يَنْتَهَ فَتَرَكْتُهُ ففَعَلَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةَ فَلَيْسَ حَيْثُ لَمْ يَقْبَلْ مِنْكَ فَتَرَكْتُهُ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالْمَعْصِيَةِ. (الكافي، ط. الإسلامية،

ای هر که گریخت از در مذهب ما گوشش بگشاد فراخ، تا مذهب ما

... امام، جعفر بن محمد الصادق - علیه السلام - فرمود: نه جبر، و نه تفویض، ولی چیزی بین این دو چیز. [راوی گوید:] پرسیدم، "چيست آن چیز بین دو چیز؟" فرمود: مثل آن تو مردی را ببینی بر گناهی، و نهی کنی او را، و او نهی نپذیرد، و ترک کنی او را، و انجام دهد آن گناه را. و چون از تو نپذیرفت و تو رها گذاشتی او را، این تو نبودی که او را به گناه فرمان دادی.